



ایران ورجاوند

مجله ایران‌شناسی | سال ۳۰ | شماره ۵ | پاییز و زمستان ۱۳۹۹ | ۳۰۰۰۰ تومان

- ◆ نقوش متنوع بر کمربندهای اورارتویی موزه رضا عباسی
- ◆ منصب امیری پیش از آل بویه: دو دیدگاه نسبت به گذشته
- ◆ سفال‌های خیربت کراک در سوریه و فلسطین: در وضعیت پریش
- ◆ استودان قلعه گرگی، نویافته‌ای از تدفین دوره ساسانی در شهرستان اقلید
- ◆ بازبینی و نقد کتاب گل‌نشته‌های آغاز ایلامی موزه لوور اثر یاکوب ال. دال
- ◆ بررسی باستان‌شناسی کاروانسرای خانک در مسیر کوهستانی تفرش به ساوه

ایران ورجاوند

ایران ورجاوند زنده است



دوفصلنامه ایران شناسی

سال ۳ | شماره ۵ | پاییز و زمستان ۱۳۹۹ | ۱۱۲ صفحه |
شماره ثبت مجله: ۸۰۶۸۸ | شماره ثبت نشان: ۲۹۶۲۹۸ |
صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر: دکتر شاهین آریامنش |
مدیر داخلی: هوشنگ رستمی |

نشان مجله ایران ورجاوند برگرفته از گچبری ساسانی یافت شده از تیسفون عراق مربوط به دوره ساسانی است. داستان این گچبری به سال‌ها پیش بازمی‌گردد هنگامی که اسکار رویتر باستان‌شناس آلمانی همراه گروهش در سال ۱۹۲۹ میلادی در تیسفون در محدوده ساختمان بزرگی با نام معارید در حدود ۳ کیلومتری تاق کسری و ۱/۷۵ کیلومتری شمال دهکده سلمان پاک به کاوش‌های باستان‌شناسی پرداخت که در این کاوش‌ها از محلی که سپس تر خانه معارید ۶ نام گرفت شماری صفحه‌های گچبری گرد به دست آورد که در میان آنها صفحه‌گردی با دو بال گشوده شده از روبه‌رو وجود داشت که این دو بال، نشانی به شکل هلال ماه را دربر گرفته‌اند. این گچبری در موزه برلین آلمان نگهداری می‌شود.

تصویر جلد: قطعه آجری از تزئینات دیوارهای کاخ شوش، هخامنشی موزه متروپولیتن نیویورک

تهران، صندوق پستی: ۱۴۵۱۵-۵۶۹

www.iranvarjavand.ir

Iranvarjavand@hotmail.com

۰۹۳۹۵۹۶۹۴۶۶

چاپخانه: ایران کهن



همه حقوق این اثر برای ایران ورجاوند محفوظ است. تکثیر، انتشار، چاپ و بازنویسی این اثر یا بخشی از آن به هر شیوه همچون رونوشت، انتشار الکترونیکی، ضبط و ذخیره روی سی دی و چیزهایی از این دست بدون موافقت کتبی و قبلی مجله ایران ورجاوند ممنوع است و متخلفان بر پایه قانون «حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» تحت پیگرد قرار خواهند گرفت.

با همکاری گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن |



”سیاهه“

مقاله

- ۴ نقوش متنوع بر کمربندهای اورارتویی موزه رضا عباسی | مریم دارا
- ۲۵ استودان قلعه گرگی، نویافته‌ای از تدفین دوره ساسانی در شهرستان اقلید | حامد مولایی کردشولی
- ۳۶ منصب امیری پیش از آل بویه: دو دیدگاه نسبت به گذشته | دیوید وین، ترجمه حسین صبری
- ۴۷ بررسی باستان‌شناسی کاروانسرای خانک در مسیر کوهستانی تفرش به ساوه | علی نوراللهی
- ۷۴ سفال‌های خیربت کراک در سوریه و فلسطین: در وضعیت پرشش | پیر دومیروشیچی، ترجمه سحر بختیاری، حسین نصری صومعه

پیشخوان

- ۹۹ بازبینی و نقد کتاب گل‌نبشته‌های آغازیلامی موزه لوور اثر یاکوب ال. دال | حسن افشاری و سعید باقی‌زاده

درگذشتگان

- ۱۰۹ درگذشتگان ایران‌شناسی | آرشاک ایروانیان



منصب امیری پیش از آل بویه: دو دیدگاه نسبت به گذشته*

دیوید وین
ترجمه حسین صبری
دکتری باستان‌شناسی اسلامی

در شنیده‌ها، شایعه‌ها یا بدتر از آن، تحلیل و تفسیر می‌شد. حقیقت زاده زمان است، اما فقط وقتی که شواهد کافی اجازه تبیین آن را فراهم سازد.

مروری بر هر نوع پیمایش استاندارد در تاریخ قرون میانه اسلامی، یا کارهای اختصاصی‌تری که خلافت عباسی را پوشش می‌دهد حکم جامع و یکپارچه‌ای را حداقل در یک مورد به دست می‌دهد. در سال ۳۲۴ هجری (۹۳۵-۹۳۶ میلادی) خلیفه وقت، الراضی، فرماندار ماجراجوی واسط و بصره ابوبکر محمد بن رائق را احضار کرده و وی را در مرتبه امیرالامرای منسوب کرد. عواقب این تصمیم برای خلیفه حائز اهمیت بود. ایجاد منصب امیری آخرین مرحله از فرایند طولانی افساد قدرت خلافت بود که همزمان با تجزیه سیاسی خلافت در نیمه قرن سوم آغاز شده بود. از وزارت باصلاطی

ج. ر. التون نوشته است که «مطالعات تاریخی تحقیق گذشته نبوده بلکه بررسی آثاری است که از گذشته موجودند»^۱. هر چیزی که انسان گفته و هر کاری که انسان انجام داده است ناگزیر از دست می‌رود مگر اینکه برای تحقیق مورخان نهستی از گذشته مذکور باقی مانده باشد. زمانی که مورخ نقل خود را آغاز می‌کند، آثار یا شواهد در دسترس مورخ بر دیدگاه وی و ماهیت کار او تأثیر می‌گذارد. آثاری که از آنها چشم‌پوشی می‌شود یا در موردشان اهمال‌کاری شده یا نادیده گرفته می‌شوند نیز بر رسایی تفسیر مورخ اثرگذار است. با وجود این، زمانی که شواهد درست بررسی شوند وضعیت را می‌توان درست چید، و زمانی که آثار موجود نشان داده و به‌کارگرفته شوند. در کمترین حالت ممکن آن آثار باید وجود داشته باشند. اگر مورد غیر از این می‌بود، تاریخ بیشتر به‌صورت تعم

* این مقاله برگردانی است از:

David Waines, "The Pre-Buyid Amirate: Two Views from the past" in *International Journal of Middle East Studies*, Vol. 8, No. 3 (Jul., 1977), pp. 339-348. Cambridge University Press.

1 G. R. Elton, *The Practice of History* (London, 1969), p. 20

که مدت‌ها ستون دیوانی و مدنی دولت خلیفه بود مدت‌ها گذشته و عظمت و جلال آن لکه‌دار گردیده، اگرچه عناوین و برخی از اشکال آن باقیمانده بود. همراه با امیری، از آن پس واقعیت سیاسی شاهد تفوق نظامی امرا بر قدرت غیرنظامی وزیر و خلیفه بود. یک دهه بعد در ۳۳۴ هجری در زمان تسخیر بغداد توسط سربازان مزدور بویهی، نقش نظامی امیر مبنایی سلسله‌ای و موروثی یافته بود و مسیری را هموار می‌ساخت که به تشکیل دولت سلطانی ترکان سلجوقی ختم می‌شد.

پرفسور برنارد لویس ناظر بر این امر بوده است که عنوان امیرالامرای ابن رائق آشکارا برای این به وی اعطا شد که برتری نظامی وی نسبت به همکاران دیگرش در همه جا به غیر از بغداد را نشان دهد. همزمان «شناسایی رسمی موجودیت قدرت برتر موقت به‌عنوان یک قدرت مؤثر سیاسی و نظامی و نیز قرار دادن خلیفه

فقط به‌عنوان رئیس دولت و نمایندهٔ یکپارچگی مذهبی اسلام» برای وی ایجاد می‌شد.^۱ دانشمندان فرانسوی سوردل، دومینیک و ژان اظهار می‌کنند که ابن رائق «به نام خلیفه‌ای به اعمال قدرت می‌پرداخت که خود فاقد کارایی بود».^۲ ماریوس کانارد نیز چنین قضاوتی دارد: «برای اولین بار و با ظهور ابن رائق، خلیفه و وزیر قدرت را به امیری واگذار کردند که توان نظامی و سیاسی را با هم در دست داشت».^۳ مز، آرنولد، لوی، اشپولر و تیان^۴ نیز دیدگاه‌های مشابهی را عنوان کرده‌اند و به این فهرست می‌توان همین‌طور اضافه کرد.^۵ بنابراین وزن نظریه‌های اخیر پشتیبان این دیدگاه است که با تثبیت منصب امیری و نقض نقش قدرت‌ها انقلابی در حکومت خلیفه رخ داد.

پیدایش این دیدگاه در شرق‌شناسی غرب را باید تا تک‌نگاشتی پی گرفت که در سال ۱۸۵۲ میلادی توسط دانشمند فرانسوی شارل

1 Bernard Lewis, "Government, Society and Economic Life under the Abbasids and Fatimids," *Cambridge Medieval History* (Cambridge, 1966), IV, I, p. 646; idem, *The Arabs in History* (New York, 1960), p. 97.

2 *La Civilization de l'Islam Classique* (Paris, 1968), p. 85; see also Dominique Sourdel, "The Abbasids," *Cambridge History of Islam* (Cambridge, 1970), I, I38-I39, and idem, *Le Vizirat Abbaside* (Damascus, 1959), I, 493-494.

3 Marius Canard, *Histoire de la Dynastie des Hamdanides de Jazira et de Syrie* (Algiers, 1951), 1, 414.

4 Adam Mez, *Die Renaissance des Islams* (Heidelberg, 1922), I; Thomas W. Arnold, *The Caliphate* (Oxford, 1924), pp. 58-60; Reuben Levy, *A Baghdad Chronicle* (Cambridge, 1929), p. 150; Berthold Spuler, *The Muslim World, Part I, The Age of the Caliphs*, trans. F. Bagley (Leiden, 1960), p. 73; E. Tyan, *Institutions du Droit Public Musulman* (Paris, 1954), I, 536-540.

۵ در کتاب وی به نام زندگی و دوران علی ابن عیسی «وزیر خوب» (Cambridge, 1928)، صص ۳۵۶-۳۵۷، ۳۶۳، ۳۹۲ هارولد بون تا اندازه‌ای سماجت کمتری در اصرار بر اینکه نوعی وارونگی ناگهانی و کامل جایگاه‌ها بین خلیفه و امیر به‌عنوان کسانی که قدرت را در دست دارند اتفاق افتاده است. محتاط‌ترین و سنجیده‌ترین دیدگاه را کلود کاهن در (18, III) *Lecons d'Histoire Musulmane* Paris, 1957) خود آورده است؛ همچنین تحقیق عالی وی (149, 178) *L'Islam des Origines an Debut de l'Empire Ottoman* (Paris, 1970)، pp. را ببینید.

فرانکو دفرومری (۱۸۲۲-۱۸۸۳) انتشار یافت. کار دفرومری بسیار ساده و با عنوان «رساله‌ای درباره امیرالامرا»^۱ بود و در زمانی نوشته شد که دانشمندان از تجمل ویراست‌های چاپ شده متون کلاسیک عربی استقبال نمی‌کردند و فقط دسترسی کمی به متون اصلی چایی داشتند. مقاله دفرومری هنوز مورد ارجاع است و در حقیقت به نظر می‌رسد از آن زمان به بعد هیچ بازبینی در منصب امیری پیش از آل‌بویه انجام نپذیرفته است.^۲

در حال حاضر ارجاع و اشاره ما به بررسی تاریخی و به‌صورت تحقیق در آثار موجود از گذشته در خور و به جا است. دفرومری «رساله» خود را با این عقیده نوشت که ارزش آن در منابع به مراتب بزرگ‌تری قرار دارد که در دسترس وی بوده و دانشمند آلمانی آمپریت که در حدود سی سال پیش از آن به موضوع مشابهی پرداخته بود به آن دسترسی نداشت. عین کلام دفرومری این است که: «با وجود گستره بسیار مطلوب کار در این زمینه فکر کردم می‌توانم کار بهتری انجام دهم. علاوه بر کمک‌های دیر هنگام اما گرانبهای کتاب ابن اثیر، از رساله‌های نوویری، ذهبی، ابن خلدون، کمال‌الدین، ابوالمحاسن،

مسعودی، فخرالدین رازی کاذب، و یافی استفاده کردم که این نویسندگان حجم انبوهی از جزئیات کاملاً جدید را در اختیار من قرار دادند».^۳ البته این تمام پیشرفتی است که در زمینه پژوهش‌های تاریخی انجام شده است. دفرومری که با این حجم عظیم جزئیات مسلح بود به شکل تحسین برانگیزی به این موضوع پرداخت. درباره انتساب ابن رائق به امیری و عواقب آن برای خلیفه و دولت وی دفرومری می‌گوید:^۴

در یک زمان دوایر دیوانی منحل گردیدند؛ وزیر هیچ توجهی به امور دیوانی نمی‌کرد و تمام امور به ابن رائق و کاتبش واگذار گردید. این شیوه توسط تمام ملازمان و نزدیکان امیرالامرا مورد تقلید قرار گرفت. عواید به خزانه واریز شده و به شیوه مورد نظر خرج می‌شد و فقط بخشی را که مدنظرشان بود به خلیفه اختصاص می‌دادند.

هرچند غیر مستقیم، اما قضاوت دفرومری در این پاراگراف به نحو بارزی به شکل‌گیری دیدگاه‌های نظری که به آن اشاره شد اطلاع‌رسانی یا کمک کرده است. با تبدیل امیرالامرا به یک حقوق

۱ کار دفرومری در کتاب *Memoires Presesntees par Divers Savants, L'Academie des Belles Lettres et Inscriptions de l'Institut National de France, I^{er} ser. Vol. 2 (1852), pp. 105-196* آمده است. این کتاب به درستی توسط نویسنده معاصر و مشهور، رینهارد دوزی (*Journal Asiatique*, 17 [1848]) توسط دانشمند گوئینگتی م. اومبرایت نوشته شده بود. این کار فقط فهرستی از محدود کارهای منتشره و در دسترس بود که طبق نظر دوزی مملو از اشتباهات بود. بند بعدی در همین مقاله را ببینید.

۲ تلاش کرده‌ام که منصب امیری را در مقابل پیشینه گسترده‌تری از افول خلافت در نیمه دوم قرن سوم هجری و اوایل قرن چهارم هجری از نو ارزیابی کنم: «خلیفه و امیر: مطالعه‌ای درباره زمینه اجتماعی و اقتصادی نیروی سیاسی قرون میانی است»، رساله دکتری، دانشگاه مک‌گیل، ۱۹۷۴.

3 Defremery, "Memoire," p. 106.

4 Ibid., pp. 115-116.

بگیر بالقوه، خلیفه تمام قدرت سیاسی و نظامی را در دستان خود قبضه کرد.

نکته‌ای که باید در اینجا بدان اشاره کرد این است که قدیمترین منبعی که دفرومری بر مبنای آن قضاوت کرده است گفتاری است در الکامل ابن‌اثیر از قرن هفتم هجری (سیزدهم میلادی) و از هفت منبع دیگری که در اینجا و در این زمینه به آنها اشاره شده است متأخرتر بوده و به تاریخ دولت‌ها ختم می‌شود و در قرن هفدهم نوشته شده است. بنابراین تمامی آثار، اطلاعات مشابهی را در زمینه عواقب انتساب ابن رائق به دست می‌دهند (به مثال پائین توجه کنید). درباره وقایعی که علاقه‌مند به آن هستیم فقدان منابع معاصر آن یا نزدیک همان عصر در کار دفرومری قابل توجه است. آیا این حقیقت به تنهایی دیدگاه دفرومری را بی‌ارزش می‌سازد؟ حتی در نازل‌ترین حد هم این‌گونه نیست.

این نقصان پس از مرگ دفرومری برطرف گردید زمانی که بخش‌های مرتبط با کار تاریخی دیگری با عنوان تجارب‌الامم آشکار شد. دوگوج آن را در ۱۸۷۱ میلادی به صورت بخشی از کاری منتشر کرد که وقایع ۱۹۶-۲۵۱ هجری را می‌پوشاند و این به‌عنوان جلد دوم کتاب *Fragmenta Historicumt Arabicorum* بود. گیب، نویسنده آن یعنی ابوعلی احمد بن مسکویه (متوفی در ۴۲۱

هجری) را مهم‌ترین تاریخدان عمومی بعد از طبری عنوان می‌کند و درباره وی می‌گوید:

اهمیت او در ادبیات عرب این است که مسکویه بر خلاف طبری و بیشتر مورخین پس از وی بود. او دانشمندی نبود که در علوم دینی و زبانی قلم زده باشد بلکه مقامی رسمی و درباری بود و بخش آخر کار او جهت‌گیری جدیدی در زمینه ترکیب تاریخی وقایع معاصر خود را نشان می‌دهد که این بر مبنای اسناد رسمی و تماس‌های شخصی بود خود مسکویه دانشمندی جدی بود که معیار وی متقن‌سازی و تدقیق صحت منابع با قضاوتی به‌نسبت مستقل بود.^۱

بین سال‌های ۱۹۱۳ و ۱۹۲۱ مجلدات پنج و شش این کار منتشر شد که وقایع سال‌های ۲۸۴-۳۶۹ هجری را تحت پوشش داشت و در آن تاریخ، تجارب به پایان می‌رسد.^۲ با این حجم از کارهای مسکویه که در دسترس است «آثار موجود» را می‌توان به دورترین گستره خود کشاند. اگرچه تاریخ تولد دقیق او را نمی‌دانیم^۳، گفته شده است که وی در سنین جاافتادگی که در آن موقع معمول بوده در گذشته است. به‌طور قطع هنوز بچه بوده است که امیری پیش از آل‌بویه تثبیت شد. شغل

1 I H. A. R. Gibb, *Arabic Literature* (2d ed.; Oxford, 1963), p. 95.

۲ جلد یک که دوره‌های پیش از اسلام تا سال ۳۷ هجری را پوشش می‌دهد به شکل کپی و توسط لئون کاتانی در ۱۹۰۹ منتشر شد. مجلدهای ۵ (۱۹۱۳) و ۶ (۱۹۱۷) به طریقی مشابه ارائه شدند و پس از آن بود که توسط ه. ف. آمدروز و د. س. مارگلیوت با عنوان *افول خلافت عباسی* (London, 1920-1921) در شش جلد و به همراه ضمیمه ویراسته و ترجمه شد.

3 For estimates of his birthdate see 'Abd al-'Aziz 'Izzat, *Ibn Miskawayh* (in Arabic) (Cairo, 1948), pp. 79-81; Miskawayh, *The Refinement of Character*. trans. Constantine Zurayk (Beirut, 1968), p. xii; Muhammed Arkoun, *Contribution a l'Etude de l'Humanismic Arabe au IV/X Siecle: Miskawayh, Philosophe et Historien* (Paris, 1970), p. 60.

حرفه‌ای او در اوایل دهه سوم زندگی و حدود سال ۳۴۰ هجری آغاز شد و این زمانی بود که وی وارد خدمت وزیر آل‌بویه المهلّبی شد. از این زمان به بعد مسکویه به ما می‌گوید که وی تاریخ خود را بر مبنای گزارش‌های دست اول شاهدان و نیز تجارب شخصی خود قرار داد.^۱ به احتمال مسکویه کتاب تجارب را طی سلطنت عضدالدوله (۳۶۹-۳۷۲ هجری) به پایان رساند که مشهورترین و قدرتمندترین فرد تبار آل‌بویه بود و مورخ ما در خدمت و استخدام وی بوده است. در کتاب تاریخ وی قولی از یک طرز فکر بسیار آگاهانه به صورت وضعیت امور خلافت در واقعه انتساب ابن رائق به امیرالامرایی وجود دارد. مسکویه وقایع مذکور را این‌گونه توصیف می‌کند:

از آن روز به بعد قدرت وزارت به هیچ تقلیل یافته است ابن رائق و منشی او بر تمام امور دولت نظارت داشتند و برای تمامی افرادی که از آن پس تا امروز به منصب امیری منصوب شده‌اند این‌گونه بوده است عایدی ایالات [هم اکنون] به صورت گنجینه‌های امیران (خزاین‌الامرا) درآمد است و امرا با توجه به این گنجینه‌ها امر و نهی می‌کنند. هر مقدار که خوشایند خودشان باشد هزینه می‌کنند و برای مخارج سلطان هر چه را که بخواهند ارسال

می‌دارند. عملکرد دوایر پیشین مالی (بیوت الاموال) متوقف شده است.^۲

با این اوصاف به نظر می‌رسد پیگیری گذشته به پایان خود رسیده باشد. منبع دفرومری به نظر می‌رسد که بیشتر کتاب مسکویه باشد. دفرومری به طور ناخواسته ملزم به استفاده از منبعی بود که تا آن موقع هرگز ندیده بود. با وجود این تأثیر ابن مسکویه بر این مطلب فقط محدود به منابعی نماند که دفرومری از آن استفاده کرده بود: ابن مورد در کارهای الهمدانی، ابن تغری بردی، ابن طقطقی، السیوطی، و یحیی بن سعید الانطاکی دیده می‌شود.^۳ به عنوان مثال، در ادامه تاریخ اوتیکیوس از یحیی بن سعید (۳۲۸ هجری)، متن ذکر شده در بالا کلمه به کلمه آمده است. به علاوه، تأثیر مسکویه گسترده و بلاواسطه بوده است، زیرا یحیی بن سعید حدود زمان نویسنده معاصر و مشهورتر خود، حدود ۴۱۹ هجری درگذشته است. بنابراین مشهود است که دیدگاه مسکویه درباره امیری پیش از آل‌بویه بدون هیچ تغییری و طی نسل‌های متمادی دانشمندان مسلمان تا شرق شناسان قرن نوزدهم باقیماند که آنها نیز متعاقباً آن را تا به امروز حفظ کرده‌اند: خط انتقال بلافصلی قریب به یک هزاره که بدون شک سرآغاز و سرچشمه خوبی برای هر تفسیر دارای عزت

^۱ در این زمینه مقاله مقاله م. س. خان با عنوان «گزارش‌های شاهد عینی معاصر تاریخ مسکویه» - *Islamtic Cul-ture*, 38 (1964), 295-313 ببینید.

^۲ Amedroz and Margoliouth, *Eclipse of the Abbasid Caliphate*. I, 352.

^۳ Muhammed b. 'Abd al-Malik al-Hamadani, *Takmila Tarikh al-Tabar*, ed. Albert Kan'an (2d ed.; Beirut, 1961), pp. 98-99; Jamal al-Din Abi 'l-Mahasin Yusuf b. Taghri Bardi, *Al-Nujam al-Zahira fi Muluk Misr wa'l-Qahira* (Cairo, 1383/1963), III, 258; Safi al-Din Muhammad b. 'Ali b. Tabataba b. al-Tiqtaqa, *Al-Kitab al-Fakhri fi 'l-Adab al-Sultaniyya wa 'l-Duwal al-Islamiyya* (Cairo, 1381/1962), pp. 227-228; Yahya b. Sa'id al-Antaki, *Histoire de Yahya-ibn Sa'id D'Antioche*, ed. and trans. I. Kratchkovsky and A. Vasiliev, *Patrologia Orientalis*, 18, 5 (Paris, 1924), 711-712.

نفسی است که بتوان آن را مالک بود.

موضوعی که ممکن است در آن نهفته باشد هیچ‌گونه نشانه‌ای از گذشته ندارد که روشن نگردیده باشد. همراه با شواهد مکمل اولیه و دیگر دلایل فرعی، ارزیابی دوباره از امارت ابن رائق ممکن گردید، اگرچه هیچ تلاشی در این زمینه انجام نشد. به‌نوبه خود، دلیل این امر مقبولیت عام مسکویه به‌عنوان یک منبع قابل اعتماد بود، حتی برای وقایعی که وی به‌طور مستقیم شاهد نبود. دلیل دیگر ارزیابی از این ماده جدید بود؛ در نتیجه فقط تا حدی مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

در سال ۱۹۳۵، ج. هیورث دان بخش باقیمانده از کتاب الاوراق ابوبکر محمد بن یحیی الصولی تحت عنوان اخبار الرادی و المتقی را منتشر کرد. اثر مذکور سال‌های ۳۲۲-۳۳۳ را پوشش داده و قبل از مرگ نویسنده در ۳۳۶ یا ۳۳۵ هجری پایان پذیرفت. الصولی یک ادیب، مورخ و شطرنج‌باز بود و همین استعداد آخر بود که وی را طی سلطنت خلیفه المکتفی (۲۸۹-۲۹۵ هجری) وارد حلقه دربار کرد. خانواده الصولی برای عباسیان ناشناخته نبود و چندین نسل از پدران ابوبکر به‌عنوان مبلغ، دبیر، و در یک مورد در یک منصب عالی دیوانی در زمان

المتوکل (۲۳۲-۲۴۷ هجری) خدمت کرده بودند.^۱

باوجود این، رویکرد دقیق کتاب رانمی‌دانیم زیرا بخش اعظم کتاب الاوراق از بین رفته است. ابن‌ندیم (متوفی ۳۹۵ هجری) در الفهرست می‌گوید که آن بخش دوره سلطنت السفاح تا المعتبر (۱۳۲-۲۵۵ هجری) را پوشش می‌داد. این گفته به روشنی ناصحیح است و ممکن است حاکی از این باشد که وی فقط یک یا دو بخش کار را دیده است.^۲ نویسنده معاصر دیگر، المسعودی (متوفی ۳۴۵ هجری) که به‌نظر می‌رسد با این کار بسیار آشنا بوده است، به آن تحت عنوان کتاب الاوراق فی اخبار الخلفاء من بنی عباس و بنی امیه و شعراهم و وزراءهم اشاره می‌کند.^۳ ابن‌ندیم همچنین نشان می‌دهد که الصولی کتاب جداگانه‌ای به نام کتاب الوزرا نوشته است که بخشی از آن به سال ۲۹۱ هجری می‌رسد و هلال الصابی (متوفی ۴۴۷ هجری) آن را دیده است.^۴ در اشاره‌ای منحصر به فرد، نویسنده شذرات الذهب از کاری از الصولی درباره قرامطه نقل می‌کند.^۵ یک تک‌نگاشت درباره جنگ جمل نیز به وی منسوب است. وسعت علایق تاریخی محدود وی چنین است. بخش گمشده کتاب الاوراق جالب است:

1 Details of al-Suli's life and writings will be found in the introduction to Marius Canard's French translation of al-Suli's *Akhbar al-Radi wa 'l-Muttaqi* (Algiers, 1946) ; I. Kratchkovsky, "al-\$ili," *El2*, IV, 541-542; and Ahmad Jamal al-'Umari, *AbiL Bakr al-\$ftil* (Cairo, 1973).

2 Ibn al-Nadim, *Fihrist*, ed. G. Fluegel (Leipzig, 1871-1872), photoreprint (Beirut, n.d.), PP. 129, 151.

3 al-Mas'uid, *Muruj al-Dhahab*, ed. Muhammad Muhya 'l-Din 'Abd al-Hamid (Cairo, 1357/1938), I, 6-7.

4 Hilal al-Sabi, *Kitab Tuh fat al-Umara' fl Tarikh al-Wuzara'*, ed. 'Abd al-Sattar Ahmad Faraj (Cairo, 1958), p. 4.

5 Abu '1-Fallah 'Abd al-Hayy b. al-'Imad al-Hanbali, *Shadharat al-Dhahab fi Akhbar min Dhahab* (Beirut, n.d.), I, 342.

نه تنها نوشتاری معاصر دوره پیش از آل بویه است بلکه نویسنده آن با امور دربار و بسط آن در پایتخت امپراتوری، بغداد، قرابت داشته است. الصولی مسئول تحصیل دو پسر المقتدر، هارون و احمد، بوده است. احمد همان کسی که بعدها ملقب به الراضی شد. الصولی و احمد علائق ادبی مشترکی داشتند و پیوند ایجاد شده بین استاد و شاگرد در تمام سالیانی که بین خلیفه و دربار وی ادامه داشت تداوم یافت. الصولی در زمان اتفاقاتی که توصیف می‌کند در بغداد حضور داشت.

در بند آخر روایت وی از سال ۳۲۴ هجری الصولی می‌نویسد که از طرف خلیفه الراضی ردای افتخار برای ابن رائق فرستاده شد، پس از آن به قصد انتصاب به منصب امیرالامرای، وی به واسط فرستاده شد. در آخرین بند برای همان سال، الصولی می‌نویسد که ابن رائق در روز شنبه بیست و چهارم ذی الحجه وارد بغداد شد؛ وی ردای افتخار دیگری دریافت کرد و در محوطه کاخ و در میدان و مسیر مسابقه اسبدوانی اردو زد.^۱ الصولی بدین ترتیب تثبیت منصب امیری را توصیف می‌کند. عامی بودن گزارش الصولی تضاد فاحشی با گزارش مسکویه دارد. الصولی هیچ توضیح مبسوطی درباره موضوع نمی‌دهد، گویی هیچ اهمیتی بیش از انتصاب یک وزیر یا مرگ یک دانشمند نداشت. این تفاوت تا این حد بزرگ است که افراد را برای پرسش درباره نوع درک هر مورخ بر حسب قضاوت خود

تهییج می‌کند. درعین حال پیش از اینکه به طور مستقیم به این پرسش پردازیم ارزش آن را دارد که پرسش اولیه‌ای را مطرح سازیم مبنی بر اینکه نظر مورخان مسلمان دیگر همانند منتقدان امروزی درباره او چه بوده است.

ابن ندیم و یاقوت (۶۲۶ هجری) بخش‌های شعر کتاب الاوراق را فقط یک سرقت ادبی از یک کار قدیم‌تر از المَرندی می‌دانند.^۲ هلال ابن صابی با اشاره خاص به کتاب الوزرا می‌گوید که تلاش‌های الصولی مملو از زواید نابجا بود که ابیاتی در آن آمده است.^۳ از سوی دیگر مسعودی اذعان دارد که کار وی به‌عنوان کاری تاریخی کاملاً ارزش دارد زیرا نویسنده شاهد عینی بسیاری از حوادثی بوده که ضبط کرده است. بنابراین انتقاد اصلی که می‌توان بر او داشت معطوف به جنبه‌های ادبی و زیبایی شناختی کتاب الاوراق است و نه ارزش تاریخی آن. اینکه مورخی در جایگاه مسعودی آن را کاملاً بستاید اعتبار کمی برای الصولی نیست. به هر مقداری، منتقدان معاصر کمتر موافق آن هستند. کراچکوفسکی می‌گوید که وی مورخی برجسته نبوده است بلکه گردآورنده‌ای تصنعی بوده است که قادر به تشخیص کار خود از دیگری نبوده است.^۴ م. س. خان می‌نویسد «الصولی جزئیاتی از شایعات دربار و نیز اشعاری می‌آورد که نقطه ضعف تاریخ‌نویسی وی است.»^۵ خان اضافه می‌کند که الصولی برخلاف مسکویه قادر به درک این نبود که چه

1 Al-Suli, *Akhbar al-Radi wa 'I-Muttaqi*, pp. 85-86; trans. Canard, I, 146.

2 Ibn al-Nadim, *Fihrist*, p. 129; Yaqfit, *Irshad al-Arib ila Ma'rifat al-Adib*, ed. D. S. Margoliouth (Leiden, 1907-1931), II, 58.

3 Hilala I-Sabi, *Kitab Tuhfat al-Umara fi Tarikh al-Wuzara*, p.4.

4 Kratchkovsky, "al-Suli," IV, 542.

5 M. S. Khan, "Miskawayh and Arabic Historiography," *Journal of the American Oriental*

چیزی از نظر تاریخی ضرورت دارد، و به جای امور مدیریتی، مالی و نظامی بر جشن‌های دربار متمرکز بود.^۱ رزنتال اوراق را کار یک مورخ رسمی می‌بیند که «با تمام نبوغ ادبی، سبک درخشان و گنجینه‌ای از اطلاعاتی که باید ارائه می‌داد، به‌سختی قادر بود تمایل خود به جشن‌های دربار و شایعات آن پنهان کند.»^۲ در مقدمه‌ای که وی برای ترجمه فرانسوی اخبار الراضی و المتقی نوشته است ماریوس کانارد به‌درستی آن را «سرگذشت یک معشوقه» می‌نامد، اگرچه خیلی بیش از این است که بخواهیم به‌سادگی آن را چنین بنامیم.

کانارد عدم توضیح الصولی درباره انتصاب ابن رائق را به فقدان حس تاریخی و عدم توانایی وی برای به‌دست آوردن معنایی عمیق‌تر از وقایع یا توضیح دلایل آنها نسبت می‌دهد.^۳ با وجود این توضیحات کانارد تصدیق می‌کند که الصولی برای تاریخ اجتماعی و اقتصادی بغداد حتی از مسکویه حائز اهمیت بیشتری است. اما اینکه چرا بدین معنی است که الصولی فاقد حس تاریخی است، کارنارد هیچ توضیح برای آن نمی‌دهد.

تاریخ الصولی مجموعه‌ای از داده‌هایی است که به پیشرفت‌های مهمی که در زمان وی رخ داد مربوط می‌شود. وی تورم فزاینده، خرید و فروش، شورش، غارتگری و قحطی را تشریح می‌کند که بلاایای طبیعی مانند آتش‌سوزی و سیل آنها را دوچندان کرده و گریبانگیر شهر وی، بغداد بوده است. بحران اقتصادی و

نابسامانی اجتماعی با شدت‌های متفاوت تمام بخش‌های جمعیت را تحت تأثیر خود قرار داده و تأثیر آشکار و جانانه‌ای بر قابلیت پایداری خلافت گذارده بود. کار الصولی قدرت درونی این موارد را منعکس می‌سازد، و اگرچه وی در مورد ترتیب اهمیت و ارتباط متقابل آنها فصیح و روشن نیست اما بر ذهن او بیش از انتصاب یک شخص نظامی فشار می‌آورده است که نمی‌خواسته یا نمی‌توانسته سیر وقایع را تغییر دهد. تحت این شرایط پرسش اساسی درباره قدرت (خواه در دستان خلیفه بوده است یا در دستان امیر، و مؤثر بوده یا واقعی) در عمل بی‌معنی خواهد بود. در این مسیر است که الصولی واکنش‌های خلیفه الراضی را در زمانی که خود وی نیز زنده بود ثبت می‌کند: «این حکمفرمایی به من تحمیل شده است بدون اینکه کاری برای آن انجام داده باشم، بدون اینکه تمایلی به آن داشته باشم. خدا می‌داند که چه مخفیانه و چه آشکارا هیچ اقدامی در جهت آن نکرده‌ام. فقط به این خاطر نیست که از افتخار و شکوهی صرف‌نظر می‌کنم که قانون به من اعطا می‌کند بلکه شرایط مثل زمان‌های دیگر نیست: خزانه خالی است، ارتش دچار گرسنگی و کشور خراب شده است.»^۴

پایه‌های مادی اعمال قدرت افراد (خلیفه، وزیر، یا امیر) بخصوص در مرکز خلافت، عمیقاً اضمحلال یافته بود. چیزی را که الصولی درک و ثبت کرده بود جلوه بیرونی این بیماری بود: وی هیچ تلاشی برای تشریح علل زیربنایی

Society, 89 (1969), 715.

1 *Ibid.*, 716.

2 Franz Rosenthal, *A History of Muslim Historiography* (2nd ed.; Leiden, 1968), pp. 172-173.

3 al-Suli, *Akhbar al-Radi va 'l-Muttaqi*, p. 39.

4 *Ibid.*, p. i6; trans. Canard, p. 64.

آنها نداشت. بنابراین ایجاد منصب امیری که بعدها مورد توجه مسکویه قرار گرفت واقعه‌ای قابل توجه نبوده است. برای الصولی شرایط سرنوشت‌سازتر از یک فرد بود نه برعکس.

الصولی در تخمین و پیش‌بینی آن دوره تنها نبود. یک محقق جوانتر و معاصر وی نیز بر ناآرامی اجتماعی و اختلال اقتصادی به‌عنوان نشانه‌های اصلی افول عباسیان توجه دارد. درحالی‌که دانشمندان از زمان انتشار آن در سال ۱۸۴۴ میلادی^۱، نسبت به تاریخ حمزه اصفهانی (متوفی در ۳۶۰ هجری) بی‌توجه نبوده‌اند، برای مستندسازی وقایع اوایل قرن چهارم هجری بغداد کاملاً مورد توجه بوده است. نویسنده آن در مناسبت‌های مختلف در پایتخت حضور داشته است؛ دو اقامت موقت در ۳۰۸ و ۳۲۳ هجری به‌طور حتم معلوم است.^۲ توجه وی بر اساس بخش هشتم فصل دهم و آخرین آن به نام فی وصف الهرج الحدیث علی سلطان بنی‌عباس فی دار مملکتهم می‌باشد. در معرفی این بخش حمزه می‌نویسد:

ویرانی بغداد را فرا گرفت و تخلیه آن سرنوشت بسیاری از ساکنان بود تا زمانی که خداوند به افراد باقیمانده به واسطه ابوالحسین بویه مدد رساند سیزده سال از سلطنت المقتدر گذشته بود و این پایان سال ۳۰۸ هجری بود که [مجموعه‌ای] از حوادث و اختلالات در قلب سرزمین‌های آنان [عباسیان] آغاز شد. ترس سربازان و زبردستان از هیبت آنان از بین رفته بود. خزاین [شخصی] آنها

از مال خالی بود و دوایر مالی نیز تهی از گنجینه‌های اجدادی شد. این نابسامانی بیست و پنج سال طول کشید.^۳

فهرست حمزه از این هرج و مرج و مصائب هیچ اشاره‌ای به منصب امیری پیش از آل‌بویه ندارد، گرچه نمی‌توانست بی‌خبر از آن باشد. متن بالا نشان می‌دهد که وی کاملاً متمایل به آل‌بویه بود؛ زیرا تا ربع قرن که به فتح بغداد ختم می‌شد ناآرامی اجتماعی بر تمامی شئونات دیگر سایه افکنده بود.

درنهایت رجوع کوتاهی به مسکویه و متنی که از وی در اینجا نقل شد داریم. در آنجا وی دو بیان صریح از «حقیقت» دارد که استدلال وی را نشان می‌دهد مبنی بر اینکه خلیفه به زبردست تمام و کمال امرا مبدل شده بود: (۱) کنترل کامل امرا بر تمام عواید ایالتی که در خزاین خود آنها انباشته می‌شد و (۲) پرداخت یک مقرری ثابت به خلیفه در اینجا وابستگی کامل اقتصادی خلیفه را می‌رساند. وی در یک واکنش واپس‌گرایانه اضافه می‌کند که این شرایط با تمامی «کسانی که از زمان ابن‌رائق تا به امروز بر این منصب گمارده شده‌اند» پابرجاست.

اولین نکته در تضاد با متنی است که بعدها در سال ۳۲۵ هجری کمی بعد از انتصاب ابن‌رائق به امیرالامرای نوشتن شده است. این را می‌توان اعلان «دولت شاهنشاهی» مسکویه نامید و اینگونه خواند: «جهان در دستان غاصبان (متغلبین) است. این افراد شاهانی محلی (ملوک الطوایف) هستند؛ هر کسی

1 Hamza al-Isfahani, *Tawarikh Sini Muluk al-Ard wa 'l-Anbiya'*, ed. J. Gottwald (Leipzig, 1844); references in this paper are to the Beirut edition, 1961, prepared by Yusuf Ya'qub al-Maskuni.

2 Ibid., p. 5.

3 Ibid., p. 152.

کنترل منطقه‌ای را به دست گرفته و خود را مالک آن قلمداد می‌کند و عواید آن را [از مرکز- مترجم] دریغ می‌کند به‌جز سواد و عراق هیچ چیز در دستان سلطان و ابن رائق نمانده است.^۱

در این متن به‌جای «مدیریت پادشاهی» (تدبیر المملکه)،^۲ امیر فقط یکی از چندین رقیبی است که در مجموعه قدرت قرار دارند و شامل حمدانیان، بریدیان، و آل‌بویه بودند که هر یک در جایگاهی با قدرت رو به تزاید و در مناطق مجاور قلب خلافت قرار داشتند. مضاف بر این درحالی‌که مجموع عواید خلافت از خیلی پیش افول کرده بود، کاهش عایدی سواد به تنهایی بغرنج‌تر از هر یک از منابع منطقه‌ای به تنهایی بود. بنابراین، مرکز امپراتوری به خودی خود نمی‌توانست جایگاه پایداری برای قدرت باشد.^۳ در نتیجه امرای پیش از آل‌بویه با وضعیتی روبه‌رو بودند که در آن نمی‌توانستند در شرایط رقابتی شدید آن روز کنترل مؤثری بر مازاد درآمد اقتصادی داشته باشند.

با توجه به نکته دوم، مسکویه هیچ مدرکی برای سال‌های منجر به امیری آل‌بویه و تعیین مقرری برای خاندان سلطنتی نمی‌کند. اولین اشاره به این مطلب خرجی روزانه ۲۰۰۰ درهمی است که امیر معزالدوله برای خلیفه المطیع تعیین کرد.^۴ از سوی دیگر الصولی به‌عنوان شاهد اذعان می‌دارد از زمانی که سواد در تأمین هزینه‌های خود و نیروهای امیر بَجَکَم

ناتوان بود، خلیفه برای اولین بار ملزم بود حقوق سربازان را از عواید زمین‌های خود تکمیل کند.^۵ پس از آن فقط به‌طور خلاصه^۶ و با یک استثناء، امرای پیش از آل‌بویه در کاهش جایگاه خلیفه به کسی با وابستگی مالی موفق نبودند. در حقیقت ماهیت ارتباط آنها بیشتر رابطه‌ای با وابستگی دوجانبه و مشخص بود. این امر فقط یک استثناء دارد و آن زمانی است که امیر مورد بحث، ناصرالدوله همدانی، ناگهان بغداد و منصب امیری را ترک کرد و به حوزه نفوذ خود در جزیره بازگشت. وی همانند برخی از اسلاف خود با زور اخراج نشد بلکه در عوض همانند شرایط خلیفه الراضی در پیش از آن فهمید که فاقد پیش زمینه‌های قدرت است و تا جایی که به منصب امیری ربط داشت دریافت که حکمرانی مؤثر توهمی بیش نیست.

در پرتوی «آثار فعلی» از منصب امیری پیش از آل‌بویه که در اینجا بحث شد، در حال حاضر در جایگاهی هستیم که تفسیر مسکویه را به‌مثابه یک فرافکنی رو به عقب از شرایطی بدانیم که در زمان نوشتن وی (در زمان عضدالدوله) تا روزهای ایجاد منصب امیری ایجاد شده بود. مسکویه به‌مثابه یک بویهی پرورش یافته و تعلیم یافته بود و درحالی‌که تحت هیچ عنوان ناظری منتقد نسبت به عملکرد آنها نبوده است، در این مثال مرتکب خطای غیرعادی مورخانی شده است که می‌پندارند گذشته‌آینه زمان حال است. پذیرش

1 Amedroz and Margoliouth, *Eclipse of the 'Abbasid Caliphate*, I, 366.

2 Ibid., I, p. 351.

۳ این مبحث در مقاله زیر آمده است:

Journal of the Economic and Social History of the Orient, 20, 3 (1977)

4 Amedroz and Margoliouth, *Eclipse of the 'Abbasid Caliphate*, II, 87.

5 al-Suli, *Akhbar al-Radi wa'l-Muttaqi*, p. 131; trans. Canard, I, 197.

6 Ibid., p. 235; trans. Canard, II, 68.

گسترده و پایداری طولانی دیدگاه مسکویه
گویای این است که تحقیقات اجتماعی و
اقتصادی در زمینه تاریخ قرون میانی اسلامی
ممکن است به تصحیح برداشت‌های جدی‌تری
منجر شود که دیدگاه الزاماً «سیاسی» مورد
علاقه شرق‌شناسان بوده است.
نویسنده به‌خاطر خواندن و توصیه‌هایی
دربارۀ رونوشت نهایی این مقاله سپاسگزار

پروفسور کلود کاهن و دکتر مارتین هیندز است.
قدردانی مترجم
با تشکر از سرکار خانم دکتر فیضی که جملات
به زبان فرانسه این مقاله را ترجمه کردند.
با تشکر از آقای دکتر عبدی که مقاله را برای
ترجمه پیشنهاد کردند.

“Contents”

Article

Various Patterns on Urartian Belts of Reza Abbasi Museum Maryam Dara	4
Wolf Castle Ossuary, A Newly Discovered Burial of the Sassanid period in the city of Eghlid Hamed Molaei	25
The Pre-Buyid Amirate: Two Views from the past David Waines, Persian translated by Hosein Sabri	36
Archaeological Survey of Khanak Caravanserai on the Mountainous Route from Tafresh to Saveh Ali Nour Allahi	47
La céramique de Khirbet Kerak en Syro-Palestine: état de la question P. D Miroschedji, Persian translated by Sahar Bakhtiari & Hosein Naseri	74

Critique and Book Review

Proto-Elamite Tablets and Fragments Hasan Afshahri & Saeid Baghizadeh	99
---	----

Obituary

David Stronach, Masoud Golzari, Badri Gharib Arshak Iravanian	109
---	-----



ایران ورجاوند

○ ○ ○ ○ ○
| Iran-e Varjavand (Glorious Persia) |
| Persian Journal Of Iranain Studies |
| Vol. 3, No.5, Autumn & Winter 2020 |

Concessionaire, Manager in Charge
and Editor-in-chief:

| Dr Shahin Aryamanesh |

Managing Editor: **Houshang Rostami**

📍 Tehran, Iran, Post box: 14515-569

🌐 www.iranvarjavand.ir

✉ Iranvarjavand@hotmail.com

☎ +98 9395969466

Bricks with a palmette motif, ca. 6th–4th
century B.C. Achaemenid, Iran, Susa
The Metropolitan Museum of Art, USA

All rights reserved. No part of this publica-
tion may be reproduced, stored in a retrieval
system or transmitted in any form or by any
means, electronic, mechanical, photocopying,
recording or otherwise, without prior permis-
sion in writing, form the publisher.

With Contributions by

| Tissaphernes Archaeological Research Group |





Persian Journal of Iranian Studies | Vol. 3 | No. 5 | Autumn & Winter 2020



ایران ورجاوند

Iran-e Varjavand
(Glorious Persia)

- ◆ Proto-Elamite Tablets and Fragments
- ◆ The Pre-Buyid Amirate: Two Views from the past
- ◆ Various Patterns on Urtartian Belts of Reza Abbasi Museum
- ◆ La céramique de Khirbet Kerak en Syro-Palestine: état de la question
- ◆ Wolf Castle Ossuary, A Newly Discovered Burial of the Sassanid period in the city of Eghlid
- ◆ Archaeological Survey of Khanak Caravanserai on the Mountainous Route from Tafresh to Saveh